



نقش آموزشی کتابخانه‌های مرکزی دانشگاهها

ناهد بنی اقبال

عضو هیأت علمی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

مقدمه

عبارت کتابخانه مرکزی دانشگاه به اعتبار مفهوم خود دو وظیفه مهم را در ذهن متبادر می‌کند. اول مرکزیت خدمات آموزشی این کتابخانه و دوم دانشگاهی بودن سطح این خدمات، و همین دو وظیفه مسؤلیت این کتابخانه را از دیگر کتابخانه‌ها، حتی کتابخانه‌های دانشکده‌ای، متمایز می‌سازد.

در این بحث اصطلاح آموزش با مفهوم افزودن به دانسته‌ها برای کسب توانایی یا مهارت بیشتر مطرح است و از این رو دوگونه متفاوت خدمات آموزشی، مرکب از آموزش مراجعه‌کنندگان و آموزش نیروی انسانی کتابخانه‌ها را شامل می‌شود.

گسترش روزافزون منابع اطلاعاتی دانشجویان را ناگزیر به انتخاب می‌کند و لازمه یک انتخاب خلاق و منطقی، آگاهی‌ای است که از طریق آموزش حاصل خواهد شد.

تکنولوژی اطلاعات و تحول وسیع و سریع آن در سالهای اخیر، دانش و تخصصهای متفاوتی را ایجاب می‌کند که کتابداران متخصص را اجباراً در معرض برنامه‌های بازآموزی قرار داده است و شاغلان کتابخانه‌ها را وادار به آموزش مهارت‌های جدید می‌نماید.

لازم است بیاندیشیم و بررسی کنیم که کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌های ما تا چه اندازه برای بوجود آوردن امکانات این آموزشها تلاش می‌کنند و تا چه حد از اهمیت وظیفه‌ای که به عهده آنهاست آگاهی دارند. انجام این بررسی از عهده یک تلاش انفرادی خارج است اما بیان واقعیتها و آگاهی از آنچه که باید وجود داشته باشد ما را برای برنامه‌ریزیهای آینده آماده‌تر می‌سازد. لازم به تذکر است که این بحث تنها به آموزش مراجعه‌کنندگان نظر دارد.

آموزش استفاده کنندگان

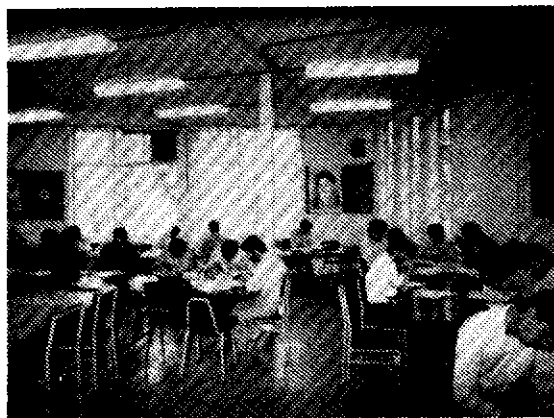
شاید این سؤال در اذهان مطرح شود که با چنین کمبود نیروی انسانی متخصص و کمبود هزینه برای گردآوری منابع اطلاعاتی بیشتر و جدیدتر آیا لزومی دارد که در کتابخانه مرکزی آموزش

دانشجو را که طبیعتاً جذب مراجعه‌کنندگان بیشتری را به دنبال خواهد داشت برنامه‌ریزی و گسترش دهد.

کتابخانه‌ها بخشهای پرهزینه‌ای از دانشگاه و دانشکده را تشکیل می‌دهند. هزینه تجهیزات و گردآوری منابع اطلاعاتی کتابخانه‌ها رقم بزرگی از درصد بودجه هر دانشگاه را به خود اختصاص می‌دهد. آیا جامعه استفاده‌کننده بالقوه یک کتابخانه که این هزینه برای آن پیش‌بینی شده است استفاده‌کنندگان بالفعل این کتابخانه نیستند؟ اگر به کتابخانه مراجعه می‌کنند آیا توانایی پیدا کردن اطلاعات مورد نیاز خود را دارند؟ آیا این توانایی به صورتی هست که بتوانند در اسرع وقت و به سهولت بیشترین اطلاعی را به هر شکلی که در کتابخانه موجود است بازیابی کنند؟ یا احتیاج دارند که این توانایی را فرا بگیرند؟

در کشورهایی که آموزش استفاده از کتابخانه و مراجعه به کتابخانه جزئی از جریان تحصیل یک محصل است و از کتابخانه مدرسه شروع می‌شود و تا کتابخانه عمومی و دانشگاهی ادامه دارد، باز هم در هر سطح و مقطعی، آموزشهای لازم به صورتهایی که بعداً معرفی خواهد شد ارائه می‌گردد.

فرض بر این است که هر آمد و رفتی به کتابخانه چه با هدف



کسب اطلاعات باشد و چه به قصد سرزدن، چه بین مراجعه کننده و کتابدار ارتباطی برقرار شود و یا مستقل عمل کند این حضور خود یک ارزش آموزشی خواهد داشت. استفاده کننده حداقل اطلاعی را که می‌تواند در این آمد و شد به دست آورد آگاهی از مثلاً ورود آخرین شماره یک نشریه ادواری در زمینه موضوع مورد علاقه او به کتابخانه خواهد بود.

از اینروست که توجه به ایجاد انگیزه مراجعه و آموزش روش استفاده از منابع کتابخانه صرف هزینه‌ها را معنی‌دار و منتج به هدفی می‌کند که سرمایه‌گذاری برای آن هدف برنامه‌ریزی شده است و آن ایجاد یک جریان ارتباطی مداوم دانشجو و کتابخانه است. لازم به یادآوری است که در این جریان ارتباطی تنها نقش کتابدار برای ایجاد انگیزه مراجعه به کتابخانه و یا آموزش شیوه بهره‌گیری از منابع کافی نیست. استادان در این جریان ارتباطی نقش بسیار مؤثر و بزرگی دارند. استاد است که کتابخانه را بخش اساسی آموزش خود قرار داده و دانشجو را ناگزیر به مراجعه به کتابخانه می‌کند.

در کشورهای پیشرفته دنیا برنامه‌های آموزشی دروس دانشکده‌ها با مشارکت استاد و کتابدار طرح‌ریزی می‌شود و کتابدار به طور کامل در جریان پیشرفت دروس و منابع مورد نیاز آن قرار دارد و منابع کتابخانه را آنچنان آماده می‌کند که در بالا بردن کیفیت آموزش سهم بسزایی داشته باشد. نتیجه نهایی چنین همکاری استفاده بیشتر، بهتر و نتیجه‌بخش‌تر از منابع کتابخانه خواهد بود. حال اگر روش آموزش استادان ما در کلاسهای درس دانشجویان را به استفاده از کتابخانه‌ها ترغیب کرد ما چه تمهیداتی را برای آموزش این استفاده فراهم کرده‌ایم؟

انواع آموزش

طرح برنامه‌های آموزش مراجعه کنندگان در کتابخانه‌های دانشگاهی به علت وظایفی که برعهده دارند شباهتهای زیادی دارد. آنچه در طرح اولیه این برنامه‌ها باید به آن توجه شود ارائه

آموزش در دو سطح است. اول آموزش دانشجویان تازه‌وارد است که اکثراً شامل آشنایی با کتابخانه و معرفی منابع مرجع و منابع عمومی است. این آموزش وقتی مؤثر و مفید خواهد بود که در دوره‌های پیشرفته‌تر با آموزش شناخت انواع متون موجود یک علم در رشته‌های مختلف تحصیلی همراه شود.

وجه دیگر تشابه به برنامه‌های کتابخانه‌های دانشگاهی اجرای این برنامه‌ها به دوروش آشنایی و آموزش است که هرکدام جداگانه مورد بحث قرار می‌گیرد.

الف. آشنایی با کتابخانه

همانطور که از ظاهر این عبارت برمی‌آید اولین وظیفه‌ای که هر کتابخانه نسبت به مراجعه کنندگان خود به عهده دارد استفاده از روشهای مختلفی است که بتواند سازمان کتابخانه و خدمات ارائه شده را به سهولت به استفاده کننده آن کتابخانه معرفی کند.

در تهیه ابزار آشنایی با کتابخانه بیشتر از هر چیز باید تلاش در ارائه شرایطی باشد که برای استفاده کننده، از کتابخانه دورنمایی خوشایند، دوستانه و ثمربخش تصویر شود. حاصل چنین تلاشی ایجاد اعتماد مراجعه کننده به کتابدار و کمک مؤثر و مفید او خواهد بود. عدم ایجاد چنین تصویر مثبتی یکی از موانع اولیه جذب دانشجویان به کتابخانه است. برنامه‌های آشنایی با کتابخانه حتی لازم است که در دو سطح مورد استفاده دانشجو و استاد نیز طرح‌ریزی شود.

تنوع منابع کتابخانه‌های دانشگاهی تنوع محتوای برنامه‌های آشنایی با کتابخانه‌ها را موجب می‌شود. هدف از این بحث یادآوری روشهایی است که ممکن است اجرای یک یا چند نوع آن با جامعه استفاده کننده یک کتابخانه دانشگاهی و همگامی آن کتابخانه با پیشرفت تکنولوژی اطلاعات و با هزینه‌های جذب شده تناسب داشته باشد.

روشها

در انتخاب روشی برای ایجاد آشنایی دانشجو یا استاد با کتابخانه سؤالاتی از این قبیل مطرح می‌شود آیا مراجعه کننده چه ادراکی از خدمات کتابخانه دارد؟ آیا کتابداران دقیقاً از نوع نیاز مراجعه کنندگان به کتابخانه آگاهی دارند؟ آیا در کتابخانه مشخص شده که چه افرادی پاسخگوی چه نیاز اطلاعاتی مراجعه کننده خواهند بود؟

ناکنون روشهای زیادی برای آشنایی با کتابخانه به کار گرفته شده که به علت عدم آگاهی از نیاز مراجعه کنندگان نتیجه مطلوب حاصل نشده است. اما آنچه می‌تواند یک هدف عمومی به حساب آید، همانطور که قبلاً ذکر شد، ایجاد تصویری دلپسند، جذاب، راحت و آسان برای استفاده از کتابخانه در ذهن هر مراجعه کننده‌ای است.





۱. راهنمای چاپی

اولین روشی که در اکثر کتابخانه‌ها معمول است چاپ راهنما و جزوه‌هایی است که در قطع، اندازه و شکل‌های مختلف تهیه می‌شود و از محل قرار گرفتن انواع منابع، روش طبقه‌بندی آنها و خدمات ارائه شده در کتابخانه اطلاعاتی می‌دهد. از محاسن راهنماهای چاپی قابل دسترس بودن برای هر دانشجو در هر زمانی است که به آن احتیاج داشته باشد و می‌تواند از آن در هر شرایطی که برایش مناسب باشد و به دفعات از آن استفاده کند. در کشورهای پیشرفته در طرح‌ریزی این گونه راهنماها با استفاده از هنر گرافیک اطلاعات جامعی را به صورت علائم و نشانه‌ها ارائه می‌دهند که در ایجاد انگیزه استفاده از کتابخانه بسیار مؤثر است.

۲. وسایل دیداری شنیداری

روش مؤثری که در این روزها با استقبال کندگان روبرو شده استفاده از وسایل سمعی و بصری است که به صورت‌های مختلف تهیه می‌شود. رایج‌ترین این وسایل استفاده از فیلم است که می‌تواند در هر نمایش گروه زیادی از دانشجویان را با کتابخانه آشنا کند. تهیه فیلم هزینه فراوانی دارد، اما می‌تواند در نسخه‌های متعدد با دفعات زیاد نمایش و با پوشش گروه‌های انبوه هزینه را جبران کند و روش مناسبی برای خیل مراجع کندگان کتابخانه‌های مرکزی به حساب آید. امروزه تهیه نوارهای ویدئویی به علت دارا بودن محاسن فیلم و نیز خصیصه در دسترس بودن مورد توجه بیشتر قرار گرفته است.

شکل دیگر استفاده از مواد دیداری-شنیداری تهیه اسلایدهایی است که اگر به خوبی تهیه شود می‌تواند گوشه‌ای از منابع کتابخانه و یا طبقه‌ای از ارائه خدمات کتابخانه را مستقل از دیگر بخشها معرفی کند. دیگر روشهای معمول آشنایی با کتابخانه چون در آموزش استفاده از کتابخانه نیز کاربرد دارد زیرا در مبحثی با این عنوان معرفی می‌شود.

ب. آموزش روش استفاده از کتابخانه

آموزش استفاده از کتابخانه بخش مجزایی از آموزش دانشکده‌ای و یا رشته‌های تحصیلی را تشکیل نمی‌دهد، بلکه مجموعه مهارتهایی است که در ارتباط با رشته‌های تحصیلی مختلف می‌بایست آموخته شود. بنابراین آموزش استفاده از کتابخانه باید مکمل و موازی برنامه‌های گروه‌های آموزشی انجام گیرد تا همکاری مثلث استاد، دانشجو، کتابدار مثمر ثمر بوده و کتابخانه نقش واقعی خود را ایفا کند.

اگر به ترکیب اجزاء این نوع برنامه‌ها توجه شود مشخص خواهد شد که برنامه‌ریزی آموزش روش استفاده از کتابخانه مرکزی کار بسیار پیچیده و گسترده‌ای است که دقت و وسواس بیشتری

می‌طلبد. از آنجایی که هر آموزشی باید هدف دار باشد تا به نتیجه مطلوب برسد برای این آموزش نیز اهدافی را باید مشخص کرد. از عمده‌ترین مواردی که برنامه‌ریزی آموزش یک کتابخانه مرکزی باید به آن توجه داشته باشد این است که:

۱. شرایط مناسبی بوجود آید تا آموزش مداوم دانشجویان امکان‌پذیر شود.

۲. دانشجویان تکیه بر آگاهی از منابع کتابخانه استقلال فردی در انتخاب اطلاعات بدست آورد.

۳. توانایی بازیابی کتابی خاص، موضوعی مشخص از نشریات ادواری و یا هر منبع کتابخانه‌ای را کسب کند.

۴. بتواند ارتباط مداومی بین رشته تحصیلی خود و منابع مورد دسترس در کتابخانه برقرار کند.

۵. از دانشجو اعتماد کافی نسبت به یاری کتابداران بوجود آورد.

۶. استادان و محققان را از تکنولوژی جدید اطلاعات با خبر و به استفاده از آن در آموزش ترغیب کند.

برای رسیدن به اهداف فوق روشهای آموزشی متفاوتی معمول است که هر کدام قوت و ضعفهای خاص خود را دارد.

۱. راهنماهای چاپی

رایج‌ترین روش آموزش، همانند آشنایی با کتابخانه، چاپ جزوه‌هایی است که شیوه بهره‌گیری از کتابخانه را به طرق مختلف آموزش می‌دهند. در کتابخانه‌های بزرگ، اطلاعات روش استفاده می‌تواند برای هر نوع منبع و یا هر ابزاری در جزوه‌های جداگانه تهیه شود و در دسترس مراجع کندگان همان بخش از منابع قرار گیرد. فراوان‌ترین این جزوه‌ها در مورد استفاده از برگه‌دانه‌ها، کتابشناسیها و دیگر منابع مرجع، میکروفرمها و انواع خدمات کامپیوتری، پایگاههای داده‌ها، بانکهای اطلاعات و دیسکهای کامپیوتری است. این نوع راهنماها تمام محاسن برشمرده شده در مورد راهنماهای چاپی آشنایی با کتابخانه را دارد اما بیشتر مورد استفاده



دانشجویانی قرار می‌گیرد که دارای انگیزه آموزش بوده خود در جستجوی پیدا کردن راه و روش استفاده، از کتابخانه هستند.

۲. باز دیده‌ها

دومین روشی که هم در آشنایی با کتابخانه و هم برای آموزش بهره‌گیری از کتابخانه زیاد مورد استفاده قرار می‌گیرد انجام دیداری دیدارهایی از بخشهای کتابخانه است که اگر با هدف آشنایی باشد معمولاً در هفته‌های اول ورود به دانشگاه برنامه‌ریزی شده و می‌تواند در یک نوبت بازدید و با اشارات دست و سراز قبیل این بخش مراجع است، آن بخش نشریات ادواری است و غیره انجام گیرد و اگر با هدف آموزش باشد باید در هر بخش از کتابخانه توضیحات لازم برای کسب آگاهی استفاده از کتابخانه به طریق عملی نمایش داده شده و حتی در طول چند روز، خدمات و کارهای قسمتهای مختلف کتابخانه معرفی شود و با دریافت گزارشهایی که توسط دانشجویان تهیه می‌شود نتیجه آموزش نیز قابل ارزیابی باشد. محاسن این آموزش عملی بودن آن است که می‌تواند در گروههای گسترده و با تکرار دفعات زیاد اجرا شود. اما معایب آن عدم کنترل دقت دانشجویان است که حتی اگر از طریق ارائه گزارش نیز کنترل شود باز کار وقت گیر و مشکلی است که از عهده کمتر کتابخانه‌ای برمی‌آید. بهترین روش انجام این نوع آموزش بازدیدهایی است که در جنب برنامه‌های آموزشی کلاسی انجام می‌گیرد.

۳. سمینارها

روش دیگری که باز برای آموزش گروههای بزرگ به کار می‌رود برگزاری سمینار است. این روش با وجود اینکه یکی از ممکن‌ترین طرق آموزش استفاده از کتابخانه است اما مشکل بزرگ آن ارائه مطالب زیاد در زمان کم و بدون همراهی برای آموزش عملی و بدون کنترل کافی از دقت شنوندگان در دریافت مطالب ارائه شده است.

به نظر می‌رسد که این روش برای اساتید و محققان که از انگیزه بیشتری برخوردار هستند و با روشهای یادداشت برداری و تهیه طرح اصلی مطالب آشنایی دارند مفیدتر و مؤثرتر بوده بتواند در هنگام اجرای شیوه تازه‌ای از بازیابی در کتابخانه، کار با ابزار جدید و یا ورود نوع خاصی از منابع به کتابخانه کارایی کافی داشته باشد.

۴. آموزش کلاسی

مؤثرترین نوع این آموزشها، آموزش کلاسی به صورت واحد درسی و یا آموزش برنامه‌ریزی شده در یک دوره چند هفته‌ای به صورت فشرده است. دوره‌های کوتاه مدت آموزش اگر با برنامه‌ای منطبق بر نیازهای مراجعه کنندگان انجام گیرد شاید یکی از مؤثرترین روشهای آموزش استفاده از کتابخانه باشد.

در این نوع آموزش تهیه یک برنامه درسی ففّال و پویا همراه با تمرین‌های عملی در کتابخانه و با استفاده از خدمات و منابع کتابخانه محاسن زیادی دارد. اولاً فعالیت دانشجویان به صورت انفرادی و در آرامش کامل بدون دخالت عوامل گروهی که اکثراً موانعی بر سر راه دانشجویان از خواطلب است امکان‌پذیر است، دوم اینکه ارزشیابی پیشرفت دانشجویان بوسیله آزمونهای عملی و تئوری قابل سنجش است. این نوع آموزش زمانی که با بازدیدهایی همراه باشد بهترین نتیجه را خواهد داشت.

لازم به تذکر است که در برنامه‌ریزی آموزش استفاده از کتابخانه، همانند هر برنامه آموزشی دیگر علاوه بر هماهنگی اهداف آموزش با نیاز مراجعه کنندگان، زمان بندی مناسب برای هر بخش از محتوی برنامه لازم است. روش آموزش و ابزار لازم نیز باید از قبل مشخص شده باشد. آخرین عامل برنامه‌ریزی بوجود آوردن امکان ارزشیابی آموزش انجام شده خواهد بود تا مشخص شود که تنها برقرار کردن یک دوره آموزشی مطرح نیست بلکه نتایج حاصل از این آموزشها قابل توجه است.

ج. نتایج بررسی وضعیت دانشجویان دانشگاههای تهران و علوم پزشکی

بررسی اینکه دانشگاهها برای دانشجویان خود کدامیک از این روشها را اجرا کرده و به چه نتایجی دست یافته‌اند تحقیق گسترده‌ای است که می‌بایست هر کدام از دانشگاهها خود این مهم را به عهده گیرند، اما در این مقاله واقعیهایی هر چند ابتدایی و مختصر از تنها کتابخانه مرکزی دانشگاهی و یکی از گروه‌های دانشجویی ارائه می‌شود. این یافته از پرسشنامه‌هایی که برای دانشجویان تنظیم شده و به وسیله فارغ التحصیلان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران که به جهت دریافت برگه تحویل پایان نامه و تسویه حساب با کتابخانه مرکزی به مرکز اسناد مراجعه نموده‌اند تکمیل شده است.

دانشجویانی که به این پرسشنامه‌ها پاسخ داده‌اند، ۴۸ درصد در مقطع کارشناسی، ۲۶ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۲۶ درصد در مقطع دکتری فارغ التحصیل شده‌اند. که ۲۰ درصد از ۲۶ درصد مقطع دکتری را فارغ التحصیلان رشته‌های علوم پزشکی تشکیل می‌دهند.

از کل این گروه ۴۴ درصد در کتابخانه مرکزی عضویت دارند و فقط ده درصد آنها در کتابخانه دانشکده محل تحصیل خود عضویت ندارند که همگی دلیل عدم عضویت را دسترسی به کتابخانه مجهزی در محل کار خود ذکر کرده‌اند.

فواصل استفاده این دانشجویان از کتابخانه مرکزی نسبتاً زیاد است. ۴ درصد سالی یکبار، ۶ درصد نیمسالی یکبار و منطقی‌ترین آن ۱۴ درصد هفته‌ای یکبار و ده درصد ماهی دوبار است. شنیدنی است که نگارنده در طول سالهای خدمت خود در کتابخانه مرکزی



دانشگاه تهران با دانشجویان بسیاری روبرو شده است که حتی با تفاخر یاد می‌کرده‌اند که در طول دوران تحصیل خود به کتابخانه مرکزی پا نگذاشته‌اند.

اما فواصل استفاده این دانشجویان از کتابخانه دانشکده شکل متعارف‌تری دارد. ۲۰ درصد هر روز، ۲۴ درصد هفته‌ای دوبار و ۲۴ درصد هفته‌ای یکبار به کتابخانه می‌روند.

در بررسی چگونگی استفاده آنها از کتابخانه، آشنایی با برگه‌دانه‌ها و سهولت کار با آنها فقط ۴ درصد اعتقاد دارند که کار با برگه‌دانه‌ها را نمی‌دانند و ۱۴ درصد معتقدند که به سهولت این استفاده را انجام نمی‌دهند. اما در پرسش از چگونگی نحوه کسب این توانایی، ۴۸ درصد تلاش شخصی خود و ۳۰ درصد یاری کتابدار را عامل این توفیق می‌دانند و فقط ده درصد، این مهارت را از طریق آموزش کسب کرده‌اند.

۶۶ درصد این گروه توانایی استفاده از برگه‌دانه‌ها را در سال اول تحصیل اعم از نیمسال اول و یا دوم بدست آورده‌اند و فقط ۶ درصد از آنها قبل از ورود به دانشگاه این مهارت را کسب کرده‌اند.

در بررسی چگونگی استفاده از منابع مرجع و دیگر منابع کتابخانه، ۲۲ درصد اظهار کرده‌اند که این توانایی را ندارند و در پاسخ به پرسش از نحوه کسب این آگاهی ۴۰ درصد آنها مدیون تلاش شخصی و ۱۶ درصد آن را حاصل یاری کتابدار و ۱۶ درصد نتیجه آموزش مستقیم می‌دانند.

جای بسی تعجب است که با توجه به ۹۶ درصد دانشجویانی که معتقدند توانایی استفاده از برگه‌دانه‌ها و ۷۸ درصد توانایی استفاده از منابع مختلف کتابخانه‌ای را دارند، ۴۸ درصد در کار تحقیقات خود با مشکل روبرو هستند و این تعجب وقتی بیشتر می‌شود که فقط دوازده درصد این گروه توانسته‌اند یک واژه‌نامه تخصصی در زمینه موضوع مورد تحصیل خود نام ببرند و نیز فقط ۶ درصد آنها با یک عنوان دائرةالمعارف تخصصی آشنایی دارند، و از بقیه، ۱۴ درصد یک دائرةالمعارف عمومی مثل دائرةالمعارف بریتانیکا، ایرانیکا، اسلام و فقط یک نفر دائرةالمعارف مصاحب را نام برده‌اند.

در زمینه آشنایی با کتابشناسیها نیز فقط ده درصد عنوانی را آن



هم نه چندان دقیق معرفی کرده‌اند و ۹۰ درصد دیگر با کتابشناسیها بیگانه‌اند.

آشنایی این گروه با بانکهای اطلاعاتی به استثنای فارغ‌التحصیلان علوم پزشکی صفر است، اما هر بیست درصد دانشجویان گروه پزشکی با بانک اطلاعاتی Medline آشنایی دارند.

از دانشجویان پرسیده شده بود که اگر منابع فوق‌الذکر را نمی‌شناسند و یا در استفاده از کتابخانه و منابع مراجعه مشکل دارند چه عواملی موجب آن است. پاسخها شامل عدم علاقه خود، عدم همکاری و بی‌توجهی کتابدارها و یا عدم آموزش برنامه‌ریزی شده برای کسب این آگاهی در ابتدای ورود به دانشگاه بود. طبیعی بنظر می‌رسد که ۵۴ درصد این کمبود را به عدم آموزش در دانشگاه و کتابخانه نسبت داده و فقط ۸ درصد خود و ۴ درصد کتابدارها را مقصر می‌دانند. اما آنچه شنیدنی است اینکه ۳۴ درصد نتوانسته‌اند این حقیقت را بپذیرند که چنین مهارت و آگاهی‌هایی را ندارند.

در پرسش راه‌حل این مشکل از دانشجویان، با وجود اینکه روشهای مختلف آشنایی و آموزش استفاده از کتابخانه ارائه شده است ۸۶ درصد دانشجویان آموزش کلاسی و دسته‌جمعی را حل مسأله دانسته‌اند. تعدادی از این گروه با ارائه این آموزش به صورت دوره‌های کوتاه‌مدت و یا سمینار و بیش از پنجاه درصد آنها گنجانندن چند واحد درسی شیوه بهره‌گیری از کتابخانه را پیشنهاد کرده‌اند.

د. نتایج بررسی آگاهی استادان دانشگاه تهران از شیوه بهره‌گیری از کتابخانه

همان‌گونه که قبلاً در مورد دانشجویان بیان شد بررسی دقیق و وسیع آگاهی استادان دانشگاهها از شیوه بهره‌گیری از کتابخانه و آشنایی آنها با منابع اطلاعاتی موجود در کتابخانه‌هایی که در زمینه تخصص آنها در دانشگاه، شهر و یا کشور وجود دارد نیز تحقیق وسیع و گسترده‌ای است که لازم است توسط هر دانشگاه انجام شده نتایج آن جمع‌آوری گردد و در دسترس برنامه‌ریزان دانشکده‌ها و دانشگاهها قرار گیرد تا براساس یافته‌های بدست آمده روش‌های مناسبی انتخاب و اجرا شود. اما به عنوان شروعی هرچند ناقص و ابتدایی از بدست آوردن اطلاعاتی در این زمینه پرسشنامه خاص استادان تهیه شد و در اختیار اساتید دانشکده‌های دانشگاه تهران قرار گرفت و نتایج ارائه شده ذیل مبتنی بر پاسخهای ارائه شده است.

استادان محترمی که با این بررسی همکاری کرده‌اند ۴۲ درصد دارای مدرک دکتری و بقیه دارای مدرک کارشناسی ارشد هستند. تقریباً نیمی از آنها در مقطع کارشناسی، ۴۰ درصد در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و فقط ده درصد آنها در مقطع تنها

کارشناسی ارشد یا دکتری تدریس می‌کنند. ۱۴ درصد در مرتبه استادی ۵ درصد در مرتبه دانشیاری، ۳۵ درصد در مرتبه استادیاری و ۴۶ درصد بقیه در مرتبه مربی قرار دارند.

به استثنای ده درصدی از این عده بقیه همه عضویت کتابخانه دانشکده را دارند و علت عدم عضویت آن گروه قلیل نیز وجود کتابخانه مجهز شخصی یا در دسترس نبوده است.

اما با کمال تعجب باید به این واقعیت اشاره کرد که به استثنای حدود ۱۰ درصد از این اساتید، بقیه عضو کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نیستند. ۵۰ درصد دلیل آن را همسان بودن منابع کتابخانه مرکزی و کتابخانه دانشکده و نبودن منابع جدید و نادر ذکر کرده‌اند. ۳۰ درصد این گروه به علت دور بودن کتابخانه مرکزی از محل تدریس شان در این کتابخانه عضویت ندارند و بیست درصد نیز سیستم بسته و عدم دسترسی سریع به کتابها را دلیل عدم مراجعه به این کتابخانه می‌دانند.

فواصل مراجعه این استادان به کتابخانه نسبتاً کم و برای ۶۰ درصد آنها هفته‌ای یکبار است. تنها بیست درصد از این گروه از نزدیک‌ترین فاصله یعنی هردو روز یکبار به کتابخانه می‌روند و بیست درصد بقیه ماهی یکی دو بار و یا در هر نیمسال دو تا سه نوبت از کتابخانه استفاده می‌کنند.

نحوه کسب آگاهی تقریباً نیمی از آنها یاری کتابدار شاغل در کتابخانه دانشکده و یا کتابخانه مرکزی است و فقط بیست درصد آنها در معرض آموزش کوتاه‌مدت و یا سمینار آشنایی با کتابخانه قرار گرفته‌اند. بقیه کسب این دانش را حاصل تلاشهای فردی خود می‌دانند. اما متفقاً بر لزوم برنامه‌ریزی دوره‌های کوتاه‌مدت سه





روژه، یک هفته و حتی یک ماه و سمینارهای دوسه روزه تأکید کرده‌اند.

نتایج بدست آمده از پاسخگویی به بخش آشنایی با مراجع و منابع اطلاعاتی تخصصی اعم از واژه‌نامه‌ها، دایرةالمعارفها، کتابشناسیها، نشریات ادواری و بانکهای اطلاعاتی بسیار مایوس کننده و تأسف بار است. تنها حدود سی درصد از این گروه با یک واژه‌نامه و یا یک دایرةالمعارف تخصصی آشنایی دارند. به استثنای گروه قلیل حدود ده درصد بقیه هیچکدام از وجود کتابشناسیها، چکیده‌نامه‌ها و یا فهرستی در زمینه تخصص خود اطلاع ندارند.

سی درصد تنها می‌توانند یک نشریه فارسی را نام ببرند که اکثراً شاید به دلیل نبودن نشریه ادواری در آن زمینه است. اما ۷۰ درصد با نشریات ادواری به زبانهای انگلیسی یا فرانسه آشنایی دارند. متأسفانه فقط حدود ۳۰ درصد آنها یک بانک اطلاعاتی تخصصی را می‌شناسند که بیست درصد آنها توانایی استفاده از این بانکها را دارند و فقط ده درصد این گروه در معرض آموزش و چگونگی استفاده از بانکهای اطلاعاتی قرار گرفته‌اند.

از اطلاعات جمع‌آوری شده فوق هرچند خام و ناقص و غیرکافی است، به واقعیهایی می‌توان دست یافت. اولاً دسترسی به استادان با تجربه و با سابقه مشکل و استقبال این گروه از پاسخگویی کمتر است. دیگر عدم عضویت و استفاده ۹۰ درصد از اعضای هیئت علمی از کتابخانه مرکزی است که باید مسئولین آموزشی، پژوهشی این دانشگاه و کتابخانه مرکزی را وادار به بررسی‌های بیشتر و چاره‌اندیشی واقعی کند، بخصوص که هفتاد درصد از این گروه، قدیمی بودن و ابتدایی بودن منابع اطلاعاتی مجموعه کتابخانه مرکزی و سیستم بسته آن را علت عدم عضویت ذکر کرده‌اند. نکته قابل ذکر دیگر برای کتابداران این است که بیش از نیمی از این گروه کسب دانش بهره‌گیری از کتابخانه و منابع آن را حاصل همکاری و راهنمایی کتابداران کتابخانه‌ها می‌دانند. بدیهی است اگر کتابداران کتابخانه‌های دانشکده‌ها روشهای پیشنهادی این گروه اعم از برنامه‌ریزی دوره‌های کوتاه‌مدت و یا تشکیل سمینارهای آشنایی با کتابخانه را به مرحله اجرا درآورند گام اساسی در راه جذب اعضای هیئت علمی به کتابخانه و مطمئن کردن آنها به کمک مؤثر کتابداران در تکمیل آموزش کلاسی برداشته‌اند.

ه. نتایج بررسی آموزش مراجعه کنندگان در کتابخانه‌های دانشگاه تهران

اکثر استادان و دانشجویان دانشگاه تهران در این بررسی کسب دانش بهره‌گیری از کتابخانه و منابع آن را حاصل تلاش فردی و یا آموزش انفرادی و کمک کتابدار می‌دانند در حالیکه پیشنهادهای آنها با اکثریت نزدیک به اتفاق بر برنامه‌ریزی دوره کوتاه‌مدت و یا

تشکیل سمینار و در مورد دانشجویان بر گذاشتن چند واحد در برنامه درسی تأکید می‌کند. کتابداران کتابخانه‌های دانشکده‌ها نیز در پاسخ به سؤال انتخاب شیوه‌ای برای آموزش استادان و دانشجویان روشهای فوق را پیشنهاد کرده‌اند.

در حال حاضر تنها در دو گروه آموزشی درس شیوه بهره‌گیری از کتابخانه و در یک کتابخانه هفته آشنایی اجرا می‌شود. در تقریباً نود درصد این کتابخانه‌ها آموزش انفرادی و در هشتاد درصد آنها دیدار برنامه‌ریزی شده انجام می‌گردد. اما از آموزش کوتاه‌مدت و برگزاری سمینار که از عملی‌ترین روشهای آموزش گروهی است گزارشی وجود ندارد.

و. پیشنهادها

با تکیه بر تجربیات شخصی چندساله، اظهارنظر همکاران دانشگاهی و یافته‌های فوق، پیشنهاد می‌شود که آموزش استفاده از کتابخانه به دانشجویان به عنوان یک طرح تحقیقاتی با تعیین گروه آزمایشی یا نمونه انجام شود. البته بهترین مرجع انجام این تحقیق شاید کتابخانه مرکزی دانشگاه باشد. نتایج تحصیلی و کارهای تحقیقاتی این دانشجویان باید ارزشیابی شود، سپس نتایج به دست آمده از تحقیقات دانشگاههای مختلف جمع‌آوری شده و مورد تجزیه تحلیل قرار گیرد. آنگاه یافته‌های این تحقیق در اختیار صاحب‌نظران شورایی برنامه‌ریزی و مسئولان برنامه‌های دانشگاه قرار گیرد تا براساس این واقعیتها لزوم چند واحد درسی آموزش استفاده از کتابخانه در برنامه درسی هر گروه آموزشی به تأیید رسیده و در برنامه‌های مصوب آن شورا گنجانده شود.

اتخاذ چنین تصمیمی استفاده همه دانشجویان را از انبوه اطلاعات گردآوری شده کتابخانه‌های دانشگاهی امکان‌پذیر ساخته صرف هزینه‌های کتابخانه‌ها را معنی دار و توسعه و گسترش آنها را موجب خواهد شد.

ضمناً به این مهم نیز در اینجا باید اشاره کرد که ما خود باید به راه‌حلی بیاندیشیم و هریک از روشهای برشمرده را اجرا کنیم و بدانیم که تا ما این تلاش را به انجام نرسانیم و به استادان و مدیران گروههای آموزشی و مسئولین دانشکده‌ها و دانشگاهها نشان ندهیم که شناخت منابع کتابخانه و توانایی استفاده از آنها چه نقش مهمی در آموزش دانشجویان خواهد داشت وضع تغییر چندانی نخواهد کرد.

توصیحات:

- این مقاله در دومین گردهمایی کتابداران دانشگاهی (۷ آذر ۱۳۷۱) در دانشگاه فردوسی مشهد ارائه شده است.